

بررسی فضاهای نابرابر شهری در تهران

(سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰)

غلامرضا لطیفی *

مژده بابا گلی **

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۱۸

چکیده

در پژوهش حاضر روند نابرابری‌های فضایی در تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای بررسی فضاهای نابرابر شهری در تهران، توزیع شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا و رابطه آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها از تحلیل ثانویه نتایج تفصیلی سرشماری‌های نفوس و مسکن و طرح‌های جمع‌آوری اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بر اساس مدل سطح‌بندی موریس محاسبه می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که توزیع مطلوبیت فضا با توزیع شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی رابطه معناداری دارد، به طوری که این رابطه در هر سه دوره سرشماری تأیید می‌شود. گرچه توزیع شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در طی ۱۵ سال مورد بررسی متوازن‌تر می‌شود، ولیکن در توزیع شاخص مطلوبیت فضا تغییر محسوس رخ نمی‌دهد. همچنین در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ برخلاف سال ۱۳۷۵ رابطه همبستگی میان شاخص‌های اجتماعی و مطلوبیت فضا بیش از رابطه همبستگی میان شاخص‌های اقتصادی و مطلوبیت فضا محاسبه می‌شود که نشان از افزایش تأثیرپذیری شاخص مطلوبیت فضا از شاخص اجتماعی دارد. آزمون رگرسیون و محاسبه ضریب تعیین تعدیل شده نیز نتایج مشابهی را نشان می‌دهد؛ به طوری که در سال ۱۳۷۵ شاخص اقتصادی ۷۲ درصد از واریانس تغییرات شاخص مطلوبیت فضا را تبیین می‌کند. در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ شاخص اقتصادی از معادله رگرسیون خطی خارج و شاخص اجتماعی بدان وارد می‌شود. در این سال‌ها شاخص اجتماعی به ترتیب توان تبیین ۵۹ درصد و ۶۸ درصد از واریانس تغییرات شاخص مطلوبیت فضا را می‌یابد.

* دانشیار برنامه‌ریزی شهری دانشگاه علامه طباطبائی.

lafifi@atu.ac.ir

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول مقاله)

مقدمه

مطالعه پیرامون انواع نابرابری‌های اجتماعی از اصلی‌ترین حوزه‌های جامعه‌شناسی به حساب می‌آید و از همان ابتدای شکل‌گیری این رشته مورد توجه جامعه‌شناسان قرار داشته است. جامعه‌شناسان معتقدند، شدت و گستره نابرابری به عوامل گوناگونی بستگی دارد. به طوری که معمولاً شدت نابرابری‌ها در شهرهای بزرگ بیش از شهرهای کوچک و روستاهاست و این امر نیز عمدتاً با فرآیندهای تجمع جمعیت و تفکیک اجتماعی در این شهرها مرتبط است. این روند تا به امروز به گونه‌ای بوده است که می‌توان شهرهای بزرگ کنونی را تجسم فضایی نابرابری دانست. امروزه نابرابری‌های عمده در حوزه‌های گوناگون (اقتصادی، سیاسی، آموزشی و...) جلوه فضایی یافته‌اند و منجر به شکل‌گیری «فضاهای نابرابر شهری» شده‌اند. نابرابری فضایی را اساساً حاصل دسترسی متفاوت نواحی شهر به منابع ارزشمند اجتماعی چون ثروت مادی، قدرت، منزلت و سرمایه فرهنگی برمی‌شمارند (یوسفی و ورشوئی، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

منابع گوناگون به وجود و شکل‌گیری نابرابری‌های فضایی در دوران گوناگون در ایران و به ویژه تهران اشاره دارند. در دوران پهلوی دوم با انتقال کاخ‌های سلطنتی و اشراف به مناطق شمالی، اقامتگاه به یکی از جلوه‌های تمایز طبقاتی تبدیل شد. باین‌حال ایدئولوژی انقلابی برابری‌خواهانه در سال ۱۳۵۷، این مسئله را مورد هدف قرار داد. کاخ‌ها، هتل‌ها و بسیاری دیگر از مکان‌هایی که مظهر سرمایه‌داری به حساب می‌آمدند مورد تسخیر اقشار پایین جامعه درآمد. این فضای انقلابی دیری نپایید و بسیاری از مکان‌های اشغالی بازپس گرفته شد و یا این‌که هزینه‌های بالای نگهداری آن‌ها مردم را به عقب‌نشینی واداشت. با اتمام جنگ، افول ایدئولوژی انقلابی و شکل‌گیری بورژوازی نوین در دوران سازندگی تمایز مکان زندگی دوباره به‌عنوان یکی از مصادیق سبک زندگی اقشار بالا اهمیت یافت. به گونه‌ای که اختلاف بارز قیمت زمین بین مناطق شمالی و جنوبی حاصل همین جدایی مسکونی فقیر و غنی به شمار می‌آید. البته این اختلاف قیمت به انسداد توزیع فضا نیز می‌انجامد و بازتولید شرایط را محقق می‌سازد.

تفکیک‌های کنونی فضا در تهران دسترسی متفاوت نواحی و مناطق شهر به منابع را منجر شده است. به نحوی که بین مناطق شهر اختلافات آشکار و پنهان زیادی به‌ویژه از نظر حقوق، فرصت‌های زندگی، پاداش‌ها و امتیازات ساکنان به وجود آمده است. در این پژوهش هدف آن است که این تفاوت‌های توزیعی در بین مناطق تهران مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو سه شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا در تمامی مناطق محاسبه و چگونگی توزیع آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

پیش از دو دهه گذشته تنها به‌طور جسته و گریخته به مسئله نابرابری در فضاهای شهری در ادبیات جامعه‌شناسی شهری پرداخته شده بود، اما اخیراً توجه بیشتری به این موضوع شده است. عماد افروغ از اولین پژوهشگرانی است که به‌طور مستقیم بدین موضوع توجه داشته است. وی در پایان‌نامه دکتری خود (۱۳۷۷) تحت عنوان «فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن» در تلاش است تا عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر و آثار آن بر شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جرم‌زا و خرده‌فرهنگ کج رو و رفتار کج رو از طریق بررسی نظریات مورد تحلیل قرار دهد. افروغ در این پژوهش بیشتر به جدایی‌گزینی به لحاظ تفاوت در پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد و آرای مرتبط با آن را مطرح می‌سازد.

برنارد اورکاد ایران‌شناس فرانسوی نیز به وجود و شکل‌گیری نابرابری‌های فضایی در دوران گوناگون در ایران اشاره دارند. وی مدعی است که در دوران پیش از مدرن، بازار، مسجد و ارگ سه رکن اصلی شهرسازی ایران را تشکیل می‌دادند. این سه رکن هر یک از پایگاه‌های مهم قدرت به شمار می‌آمدند و نقش بارز بازار و مسجد در جنبش مشروطه و انقلاب ۱۳۵۷ گواه این مدعاست. اورکاد جدایی‌گزینی کاخ‌های سلطنتی و منازل اشراف در دوران پهلوی دوم و انتقال آن‌ها به شمال تهران بیان‌گر ماهیت ایدئولوژیک فضا می‌داند و انقلاب ۱۳۵۷ را گامی به‌سوی برهم زدن ساختار فضایی-ایدئولوژیک حاکم برمی‌شمرد (اورکاد، ۱۳۸۰: ۶۹-۶۸) (اورکاد، ۱۳۸۸: ۱۱).

در زمینه توزیع نابرابر منابع، عبدالنبی شریفی، (۱۳۸۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز» علل شکل‌گیری نابرابری‌های شهری (در سطح مناطق و محلات) شهر اهواز در داخل و خارج از محدوده قانونی شهر را بررسی می‌کند. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که نحوه توزیع کاربری‌های شهری، با توجه به میزان بهره‌مندی مناطق شهرداری از یک‌سو و مراکز خدمات محله از سوی دیگر تفاوت معناداری دارد و همچنین در مواردی که کمیت توزیع متعادل بوده کیفیت توزیع ناعادلانه بوده است. وی اذعان می‌دارد آن دسته از نواحی که در رقابتی نابرابر در دستیابی به کاربری‌های گوناگون سهم کمتری نصیب آن‌ها شده و از سوی دیگر در نتیجه دسترسی نامناسب به مراکز گوناگون کارکردی: متحمل هزینه‌های بالایی شده‌اند، با کاهش تدریجی ارزش زمین مواجه و به مکان‌هایی مناسب برای تجمع طبقه فقیر جامعه تبدیل شده‌اند.

مجتبی رفیعیان و محمد شالی نیز در مقاله خود با عنوان «تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری» عدالت فضایی را در شهر تهران مورد بررسی قرار داده‌اند. ایشان با استفاده از نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و به کمک مدل AHP سطوح توسعه مناطق ۲۲ گانه تهران را در قالب ۷ شاخص اصلی مسکن، آموزش، اشتغال، دسترسی به اطلاعات، زیرساخت‌ها و محیط‌زیست مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق وجود ناهمگونی فضایی-اجتماعی بین مناطق تهران را تأیید می‌کند. به‌گونه‌ای که مناطق توسعه‌یافته و نسبتاً توسعه‌یافته در محدوده شمالی شهر تهران و مناطق با توسعه متوسط و یا توسعه‌نیافته در جنوب تهران واقع شده‌اند (۲۵-۴۸).

همچنین در پاییز ۱۳۹۱ سارا مهریار و سارا ثابت که به ترتیب دانشجوی ارشد برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه‌های هنر اصفهان و دلف هلند هستند، در پژوهشی تحت عنوان «ابعاد جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی در شهر تهران» به محاسبه میزان جدایی‌گزینی ۶ گروه عمده شغلی در بین مناطق تهران به‌واسطه محاسبه شاخص دانکن^۱ پرداخته‌اند. آن‌ها شاخص‌های محاسبه شده را با ۴ شهر مطرح دنیا از جمله پاریس مقایسه کرده‌اند و به این نتیجه دست‌یافته‌اند که تفکیک ساکنین به‌واسطه تفاوت در گروه شغلی در تهران بیش از چهار شهر دیگر رخ داده است. همچنین حق انتخاب مکان زندگی مردم که یکی از مصادیق حق بر شهر است، در این شهر به شدت محدود شده است.

یکی از پژوهش‌های مؤخر که به تحلیل نابرابری‌های فضایی پرداخته است، توسط پورمحمدی و همکارانش (۱۳۹۳) به انجام رسیده است. در این پژوهش سطوح توسعه در مناطق گوناگون شهرستان ارومیه با بهره‌گیری از مدل تاپسیس محاسبه شده است. نتایج این پژوهش مؤید این امر است که توسعه شهرستان ارومیه همانند بیشتر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه از نظام دو قطبی بالا شهری و پایین شهری پیروی می‌کند. نگارندگان برای رسیدن به فضای تعادل در سطوح شهر ارومیه، راهبرد پیشرفت توأم با توزیع درآمد و مازاد اجتماعی به‌ویژه تخصیص آن به مناطق کم‌برخوردار را برای حل مسائل رشد و عدالت اجتماعی پیشنهاد می‌دهند (۷۰-۵۷).

با اشاره به پیشینه موضوع و تحقیقات مرتبط با آن در ایران کمبودهایی نیز قابل‌ردیابی است. از منظر نگارندگان نقضی که در بیشتر تحقیقات بالا دیده می‌شود برخوردی غیر پویا با مسئله نابرابری فضایی است. به‌غیر از اورکاد که توضیح مختصری از تحولات فضایی و اشکال نابرابری فضایی ارائه می‌دهد، بیشتر محققین از این امر غافل مانده‌اند. در این راستا این پژوهش سعی دارد روند تغییر شاخص‌های مورد بررسی (اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا) را در بازه زمانی ۱۵ ساله مورد توجه قرار دهد.

چارچوب نظری

بررسی نظریات مطرح در زمینه نابرابری اجتماعی حاکی از آن است که باگذشت بیش از یک قرن از طرح نظریه نابرابری اجتماعی توسط کارل مارکس، ایده‌های وی همچنان اهمیت محوری دارد. با وجود نقدهای فراوان ارائه شده بر نظریات وی به نظر می‌رسد که درک مارکس از منشأ طبقاتی در محدوده تولیدی و تناقض‌ها و شرایط کاری درونی نظام سرمایه‌داری، بی‌همتا بوده است و در تفکر اجتماعی تأثیر پایداری دارد. کار مارکس به مانند دیدگاه کلی نابرابری اجتماعی ناقص بوده چراکه بسط چنین دیدگاهی مدنظر وی نبود. با وجود این، در بررسی‌های ساز و کارهای استعمار در جوامع سرمایه‌داری موفق به نظر می‌رسد. وی همچنین موفق شده که شکاف اصلی یعنی تقسیمی را که در تمامی نظام‌های نابرابری اجتماعی وجود دارد، مشخص سازد: میان آن‌ها که مالک یا تولیدکننده ابزار تولیدند و آن‌هایی که نیروی کار خود را برای بقا می‌فروشند^۲ (افروغ، ۱۳۷۷، ۱۸۰)، (گرب، ۱۳۷۳، ۲۱۸-۲۱۷). چالش‌ها و مبارزه‌های میان

^۱. Duncan Index

^۲- با توجه به این گفتار، می‌توان اساس نابرابری را هم در مالکیت و هم در کنترل دید که راه‌گشای نظریات بعدی شد.

این طبقات، روابط اجتماعی بین انسان‌ها را مشخص می‌سازد. طبقه حاکم که جایگاهش را مدیون مالکیت و کنترل بر ابزار تولید می‌داند، به روش‌های گوناگون و زیرکانه اعم از قانون و دولت؛ هنر و ادبیات؛ علم و فلسفه اخلاق کلی و زندگی روزمره مردم را نیز کنترل می‌نماید (Lipset & Bendix, ۱۹۹۱, ۸-۲۶). و البته این حقیقت مرجع و نقطه عزیمت بسیاری از نویسندگانی قرار گرفته است که در پی وی آمده‌اند.

مارکس پیدایش نابرابری اقتصادی-اجتماعی و به تعبیری دیگر مالکیت بر منابع تولید را زمینه پیدایش طبقات به حساب می‌آورد. آشنایی با مفهوم طبقه لازمه فهم چگونگی شکل‌یابی طبقات در نگاه وی است. مارکس با وجود کاربرد متعدد مفهوم طبقه تعریف صریح و روشنی از آن ارائه نمی‌دهد و تعاریف وی اندکی متفاوت است. وی در ایدئولوژی آلمانی بر لزوم شکل‌گیری آگاهی طبقاتی و مبارزه تأکید می‌ورزد؛ افراد جداگانه تا جایی تشکیل طبقه را می‌دهند که مبارزه مشترکی را علیه طبقه دیگری ادامه دهند. از جهات دیگر آنان به مثابه رقیب در مناسبات خصمانه‌ای با یکدیگر قرار گرفته‌اند (مارکس، ۱۳۷۷، ۹۲).

البته مارکس در فقره سده نیز به ضرورت مبارزه طبقاتی در تشکیل طبقات اشاره می‌کند. وی اذعان می‌دارد که «مناسبات اقتصادی ابتدا توده مردم را مبدل به کارگر» می‌سازد. به مرور «سلطه سرمایه موقعیت و منافع مشترکی را برای این توده به وجود» می‌آورد. «به این ترتیب این توده فعلاً مخالف سرمایه است ولی برای خودش هنوز یک طبقه نیست». «این توده طی [مبارزاتش]... متحد می‌شود و خود را به صورت یک طبقه انسجام می‌بخشد و منافی را که از آن دفاع می‌کند منافع طبقاتی می‌شوند»^۳. مارکس در ادامه تأکید می‌کند که مبارزه طبقاتی «یک مبارزه سیاسی است» (مارکس، ۱۳۸۴، ۱۸۰).

پس از مارکس و هم‌پای مارکس در مطالعه نابرابری اجتماعی، باید به ماکس وبر اشاره کرد. گرب (۱۳۷۳) معتقد است؛ با وجود تفاوت مهمی که در نظریات وبر و مارکس وجود دارد، شباهت‌های اساسی نیز در تفکر آن‌ها خاصه در مسئله طبقه و نقش محوری آن در ساختار جامعه جدید به چشم می‌خورد (۲۱۸).

البته وبر برخلاف مارکس، از مفهوم طبقه در بعد انضمامی و عینی آن یاد می‌کند؛ و به جای توجه به جایگاه فرد در روابط تولید بر عرصه مصرف تکیه دارد. از نظر وی طبقه تجمعی از افراد است که به دلیل موقعیت مشابه در بازار از منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی یکسانی برخوردارند. در دیدگاه وبر پایه اساسی برای شکل‌گیری طبقه، چگونگی توزیع دارایی است. برای وی طبقه به معنای یک گروه خودآگاه و با هویتی مشخص نیست. البته در صورتی که علاوه بر جایگاه مشترک در بازار، صفات و خصلت‌های ذهنی لازم نیز اضافه گردد، زمینه شکل‌گیری طبقه به مانند گروهی واقعی فراهم می‌شود. این تقسیم‌بندی شباهت بسیار به «طبقه در خود» و «طبقه برای خود» لوکاچ دارد (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۸۸-۱۸۷).

۳- البته این گفتار مارکس امکان برداشت لوکاچی طبقه در خود و طبقه برای خود را نیز فراهم می‌آورد.

ماکس وبر برخلاف مارکس اذعان می‌دارد که نابرابری دارای طبیعتی کثرت‌گرا و پیچیده است» (اعظم آزاده، ۱۳۷۹: ۲۶) و سه عامل را در تبیین آن دخیل می‌داند (اشرف، ۱۳۴۶): جایگاه در بازار (طبقه)، قدرت (در سلسله‌مراتب سیاسی و احزاب)، سلسله‌مراتب منزلت اجتماعی (پایگاه).

وبر طبقه را به گروهی از افراد اطلاق می‌کند که قدرت مشابهی در کنترل و مالکیت کالاهای مصرفی، منابع، دارایی و غیره دارا هستند (Bendix, ۱۹۶۵: ۱۷). از منظر وی کنترل و مالکیت اقتصادی تنها یکی از منابع تأمین قدرت در جوامع نوین است و گروه‌های منزلتی و احزاب سیاسی نیز پدیده‌های مربوط به توزیع قدرت‌اند (سالار زاده امیری و حسینی، ۱۳۸۸: ۶۱). باین حال وبر اذعان می‌دارد مالکیت اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص تعیین طبقه بانظم اعجاب‌انگیزی به منزلت اجتماعی پیوند خورده است. وبر تصریح می‌کند که مالکیت [صرف در ابتدا] درازمدت شخص را واجد شرایط ورود به گروه‌های منزلتی بالا می‌گرداند و از طرف دیگر، برابری شأن و اعتبار برای افراد بی‌مال و مال دار متناسب به یک گروه منزلت درازمدت تردید برانگیز است (وبر، ۱۳۷۳: ۶۶) (Weber, ۱۹۴۶: ۱۸۷). همین‌طور که از این سخنان برمی‌آید، هدف وبر از تمییز دادن طبقه‌ها و گروه‌های منزلتی این نیست که گسستگی کامل آن‌ها را نشان دهد بلکه مقصود بیان این امر است که آن‌ها ناگزیر مطابقتی کامل و عینی با یکدیگر ندارند؛ قدرتی که به وجود می‌آورند ناشی از منابعی متفاوت است و میزان همبستگی آن‌ها در جوامع واقعی را باید با کمک پژوهش تجربی ارزیابی کرد. (طهماسبی، ۱۳۸۷: ۷).

می‌توان تعریف وبر از پایگاه^۴ را نقطه عطفی در نظریات نابرابری به حساب آورد. پایگاه در دیدگاه وی به‌واسطه درجات گوناگونی از منزلت شکل می‌گیرد. وبر معتقد است گرچه طبقات اقتصادی به معنای دقیق کلمه «اجتماعات»^۵ نیستند در عوض گروه‌های دارای پایگاه اجتماعی مشابه را می‌توان «اجتماعات» به حساب آورد. وی اذعان می‌دارد که در سیستم ارزشی جامعه صاحبان پایگاه اجتماعی مشابه شأن و اعتبار برابری دارند و می‌توان سبک زندگی خاصی را از تمام کسانی که میل دارند به یک دایره (منزلتی) تعلق داشته باشند توقع داشت (وبر، ۱۳۷۳: ۶۶-۶۷) (Weber, ۱۹۴۶: ۱۸۶). شیوه تکلم، طرز لباس، ایدئولوژی، اقامتگاه، عادات، فعالیت‌های اوقات فراغت، ازدواج و غیره تماماً می‌توانند نشانی از منزلت تمایز یافته باشند. به تعبیر گیدنز در آرای وبر همان‌طور که طبقه در بازار تعریف می‌شود، گروه‌های منزلت نیز بر پایه روابط مصرف و نه تولید تعیین می‌یابند و ناظر به «اشکال شیوه‌های زندگی‌اند که گروهی را از گروه دیگر جدا» می‌کنند (سالار زاده امیری و حسینی، ۱۳۸۸: ۶۱).

می‌توان نظریات بعدی در زمینه نابرابری را وام‌داران این دو نظریه‌پرداز بزرگ به حساب آورد. از جمله فرانک پارکین که مدعی است روابط قدرت عامل اساسی ایجاد نابرابری است. روابط قدرت در نگاه وی از سداد اجتماعی را شکل می‌دهد.

از سداد اجتماعی به تعبیر وی فرآیندی است که گروه‌های اجتماعی به‌واسطه آن در صدند «دسترسی به منابع و فرصت‌ها» را به کنترل انحصاری خویش درآورند (Parkin, ۱۹۷۹: ۴۴-۴۶). در این میان پارکین دارایی را تنها یکی از

۴. Status

۵. Communities

اشکال حصر اجتماعی می‌داند که می‌تواند به انحصار یک اقلیت درآمده و هم چون اساس سلطه بر دیگران به‌کاربرده شود. وی بیشتر ویژگی‌هایی را که بر در ارتباط با اختلافات پایگاه می‌داند، مانند خاستگاه قومی، زبان یا مذهب ممکن است در ایجاد حصر اجتماعی مؤثر می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۶). پارکین تأکید می‌کند که اهمیت اشکال گوناگون قومی، نژادی، مذهبی و جنسی کمتر از گروه‌بندی‌های طبقاتی نبوده و غالباً نقش مهم‌تری در تحولات اجتماعی یا عمل جمعی ایفا می‌کند. گرچه به لحاظ تاریخی انسداد غالباً بر پایه ملاک‌هایی از قبیل زمینه خانوادگی، خویشاوندی و معیارهای انتسابی بوده است و به بازتولید روابط نابرابر می‌انجامد اما در جوامع سرمایه‌داری مدرن انسداد عمدتاً بر پایه دارایی مالکیت از یک سو و مدارک علمی و تخصصی از سوی دیگر استوار است. مالکیت، شکلی از انسداد است که برای جلوگیری از دستیابی دیگران به ابزار تولید تعبیه شده است و مدرک‌گرایی شکلی از انسداد است که برای کنترل و تنظیم ورود به موقعیت‌های کلیدی تقسیم‌کار از طریق انجمن‌های تخصصی و غیره طراحی شده است. پارکین معتقد است که هر دو شکل انسداد توسط دولت مورد حمایت قرار می‌گیرد. به سخن دیگر، دولت خود ابزاری برای سلطه اجتماعی است. بنابراین طبقه مسلط در جامعه سرمایه‌داری متشکل از کسانی است که یا مالک و کنترل‌کننده سرمایه تولیدند و یا از انحصار قانونی خدمات تخصصی برخوردارند (گرب، ۱۳۷۳: ۱۹۵-۱۹۶). از سوی دیگر، هر دو استراتژی ممکن است به‌طور هم‌زمان در برخی شرایط مورد استفاده واقع شود که از آن به حصر دوگانه یاد می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۴۷) (گرب، ۱۳۷۳: ۱۹۷).

با بسط آرای پارکین در حوزه فضا، می‌توان مدعی شد؛ فضا به‌عنوان یکی از منابع کمیاب نیز با انسداد اجتماعی مواجه می‌شود و پیامد آن شکل‌گیری نابرابری‌های فضایی است. نابرابری فضایی را می‌توان توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی در فضا به حساب می‌آورد. نابرابری فضایی یا نابرابری منطقه‌ای در هر یک از جوامع می‌تواند جلوه‌های گوناگونی به خود بگیرد. از اشکال قابل‌رؤیت آن در کشورهای در حال توسعه می‌توان به نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی درون شهرهای بزرگ اشاره کرد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰۱)، (باتامور، ۱۳۸۰: ۵۶-۲۲) که در این پژوهش مورد آخر توجه قرار گرفته است.

با توجه به این‌که در چندین دهه گذشته فضا و تسخیر آن اهمیت یافته و نابرابری‌ها در این حوزه تشدید یافته است، جامعه‌شناسان شهری را بر آن داشته که به تبیین آن بپردازند. جامعه‌شناسان معمولاً در حوزه نابرابری فضایی تلاش دارند تا از یک سو مرزهای متفاوت از طبقات اجتماعی و تفاوت‌ها و تمایزها را درون فضاهای شهری مورد توجه قرار دهند و از سوی دیگر فضا را در ارتباط با مؤلفه نابرابری جدا از مفهوم رایج در مطالعات جغرافیایی که بر اساس میزان توسعه‌یافتگی، مطالعه و سنجش می‌شود، مورد بررسی قرار دهند. با این وجود باید توجه داشت حتی درجایی که نابرابری فضایی درون فضاهای شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد تابع فرآیندها و الگوهایی است که شهرها بر مبنای آن از هم متمایز می‌شوند (Lobao, L. M., Hooks, G., & Tickamyer, A. R., ۲۰۰۷: ۲-۳).

در این میان، دیوید هاروی^۶ یکی از مشهورترین نظریه‌پردازانی که فضا‌مند شدن نابرابری و فرآیند تفکیک فضایی محیط‌های شهری در نظام سرمایه‌داری مورد توجه قرار داده است، مدعی است که «محیط مصنوع شهر و الگوی فضایی آن که با نظام سرمایه‌داری شکل گرفته، محصول نیازهای سرمایه‌داری برای انباشت و رویارویی آن با نیروی کار است» (Zieleniec, ۲۰۰۷: ۱۰۳).

از منظر هاروی تفکیک فضایی و جدایی‌گزینی مسکونی در شهر سرمایه‌داری به معنای دسترسی متفاوت به منابع کمیاب جهت تصرف ظرفیت بازار است. وی جدایی‌گزینی را در ارتباط با ساختار اجتماعی می‌بیند. به بیان دیگر جدایی‌گزینی را برحسب بازتولید مناسبات اجتماعی تبیین می‌کند و معتقد است که نواحی مسکونی (محیط‌های همسایگی، محلات) محیط‌های متمایزی را برای تعامل اجتماعی فراهم می‌آورد که افراد با تکیه بر آن‌ها تا حدود قابل توجهی موازین ارزشی، انتظارات، عادت‌های مصرفی، ظرفیت‌های بازار و حالت‌های آگاهی را استخراج می‌کنند. هاروی اذعان می‌دارد که الگوهای جدایی‌گزینی مسکونی بسیاری از تعارضات جامعه سرمایه‌داری را بازتاب می‌دهند و درونی می‌سازند. البته وی خوش‌بین است که فرآیندهایی که تعارضات مذکور را به وجود می‌آورند و حفظ می‌کنند، نتیجتاً کانون‌های بی‌ثباتی و تعارض واقع می‌شوند (هاروی، ۱۳۸۷: ۱۸۰-۱۷۸) (Harvey, ۲۰۰۹).

هاروی در عدالت اجتماعی و شهر (۱۹۷۳) به تبیین این مسئله می‌پردازد که جغرافیا نمی‌تواند در مقابل فقر و معضلات اجتماعی‌ای که در شهر وجود دارد بی‌طرف بماند (کلانتری، ۱۳۸۵، ۴۳). وی عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها را تخصیص عادلانه منابع و امکانات شهری می‌داند، به گونه‌ای که افراد با حداقل شکاف و اعتراض نسبت به حقوق خود مواجه باشند و نیازهای جمعیتی آنها در ابعاد گوناگون برآورده گردد (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۹: ۳۰). این نگاه جانبدارانه علوم اجتماعی در برابر فقر و بی‌عدالتی در این پژوهش نیز حائز اهمیت بوده و سعی شده است با مدنظر قرار دادن مفهوم عدالت فضایی، توزیع سه شاخص اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا و روند تغییرات را در طی ۱۵ سال مورد بررسی قرار گیرد. به کارگیری نظریات مطرح شده، امکان طرح فرضیه اصلی پژوهش را به صورت زیر فراهم می‌آورد:

- به نظر می‌رسد بین توزیع فضایی در شهر تهران و توزیع شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی رابطه معناداری برقرار است.

و در کنار این فرضیه، فرضیه‌های فرعی زیر مورد آزمون قرار می‌گردد:

- به نظر می‌رسد توزیع شاخص‌های تجمعی اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا (در بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰) در بین مناطق ۲۲ گانه تهران نامتوازن‌تر شده است.
- به نظر می‌رسد بین سطوح شاخص‌های اقتصادی و مطلوبیت فضا در بین مناطق تهران رابطه معناداری برقرار است.
- به نظر می‌رسد بین سطوح شاخص‌های اجتماعی و مطلوبیت فضا در بین مناطق تهران رابطه معناداری برقرار است.

^۶. David Harvey

- به نظر می‌رسد در بین سال‌های ۱۳۷۵ تا، ۱۳۹۰ از میان شاخص‌های تجمعی اقتصادی و اجتماعی یکی بیش از دیگری توان تبیین شاخص مطلوبیت فضا را دارا است.

روش‌شناسی پژوهش

هر پژوهش روش یا روش‌های خاصی را می‌طلبد و بایستی کوشش شود از روش‌های درست و متناسب استفاده به عمل آید (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۷۱). در پژوهش حاضر نیز به فراخور موضوع از روش تحلیل ثانویه داده‌ها که از روش‌های اسنادی به شمار می‌آید بهره گرفته شد. در این راستا نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه) در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و نتایج طرح‌های جمع‌آوری اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در شهر تهران (استخراج شده از سایت مرکز آمار ایران) در زمستان سال‌های مورد بررسی، مدنظر قرار گرفت. سپس، سه شاخص تجمعی اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا در هر یک سالهای ذکر شده برای تمامی مناطق ۲۲ گانه شهرستان تهران محاسبه شد. در ادامه برای بررسی معناداری رابطه بین شاخص‌های یاد شده، ضرایب همبستگی پیرسون توسط نرم‌افزار SPSS تعیین گردید. آزمون رگرسیون چند متغیره نیز برای تعیین ضرایب رگرسیون استاندارد شده و غیر استاندارد و میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در میزان شاخص مطلوبیت فضا (با محاسبه R^2 تعدیل شده و تعدیل نشده) انجام پذیرفت.

جامعه آماری

با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری تمامی نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه) در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و نتایج طرح‌های جمع‌آوری اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در شهر تهران به حساب می‌آید.

نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری قضاوتی^۷ استفاده شده است. در این روش نمونه‌گیری پژوهشگر می‌تواند بر اساس دانش و قضاوت صحیح و اتخاذ استراتژی مناسب نمونه را برمی‌گزیند (سرایی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۰). در این پژوهش نیز با توجه به شاخص‌ها مورد بررسی اعم از اقتصادی، اجتماعی و فضا اطلاعات مربوط به جمعیت، جمعیت بالای ۱۰ سال، جمعیت فعال و شاغل، جمعیت زنان بالای ۶ سال، جمعیت زنان با سواد، تعداد خانوار، مساحت، میانگین قیمت زمین، شمار شاغلین در گروه‌های عمده شغلی، شمار فارغ‌التحصیلان از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شمار فارغ‌التحصیلان از مقاطع تحصیلات تکمیلی، شمار واحدهای مسکونی، شمار واحدهای مسکونی بالای ۳۰ سال قدمت،

^۷. Judgment Sampling

شمار واحدهای مسکونی مستحکم، شمار واحدهای مسکونی دارای حداقل گاز لوله‌کشی، شمار واحدهای مسکونی دارای آب، برق و تلفن، شمار واحدهای مسکونی دارای سیستم حرارت و برودت مرکزی، شمار واحدهای مسکونی برحسب اتاق در مناطق ۲۲ گانه تهران به‌عنوان نمونه برگزیده شد.^۹

شاخص‌های مورد بررسی

همان‌طور که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، در این پژوهش در هر یک از مناطق تهران شاخص‌های تجمعی اجتماعی، اقتصادی و مطلوبیت فضا محاسبه و مقایسه شده است. هر یک از این شاخص‌ها از تجمیع تعدادی زیر شاخص به روش سطح‌بندی موریس^۹ به‌دست آمده‌اند. سپس با محاسبه ضرایب اختلاف توازن توزیع آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول (۱) زیر شاخص‌های برگزیده اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا و تعاریف هر یک ارائه شده است:



۸- شرط انتخاب زیر شاخص‌ها علاوه بر تطابق با موضوع و هم‌پوشانی هر چه کم‌تر با دیگر شاخص‌ها، موجود بودن و یا قابل تخمین بودن اطلاعات اولیه در سرشماری سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بود. بطوریکه میانگین قیمت زمین مناطق ۲۲ گانه در سال ۱۳۸۵ به کمک نرم‌افزار Mathlab تخمین زده شد.

۹. Morris Level Processing

جدول ۱- معرفی زیر شاخص‌ها

تعریف	زیر شاخص‌ها	شاخص
نسبت تعداد جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به جمعیت ده‌ساله و بیش‌تر	میزان فعالیت	شاخص اقتصادی (در هر منطقه)
نسبت تعداد جمعیت بیکار به جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیش‌تر	میزان بیکاری	
نسبت پنج گروه شغلی کارگران ساده، متصدیان، مونتاژکاران ماشین‌آلات و دستگاه‌ها و رانندگان وسایل نقلیه، صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط کارکنان ساختمانی و استخراج، کارکنان کشاورزی، جنگلداری و شیلات، کارکنان خدماتی و فروشنندگان به‌کل شاغلین	نسبت شاغلین در مشاغل کم‌درآمد و پایین مرتبه	
نسبت گروه شغلی قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران به‌کل شاغلین	نسبت شاغلین در مشاغل عالی‌رتبه	
میانگین قیمت فروش یک مترمربع زمین واحد مسکونی	قیمت زمین	
نسبت کل جمعیت به جمعیت شاغل	بار تکفل	
نسبت تعداد زنان باسواد به جمعیت زنان ۶ ساله و بیش‌تر	نسبت باسوادی زنان	شاخص اجتماعی (در هر منطقه)
نسبت تعداد زنان شاغل به‌کل شاغلین	نسبت اشتغال زنان	
نسبت فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری به‌کلیه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	نسبت فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری از تمامی کسانی که	
متوسط تعداد اعضای خانوار در هر منطقه	بعد خانوار	شاخص مطلوبیت فضا (در هر منطقه)
متوسط تعداد افراد جمعیت در یک کیلومتر مربع از منطقه موردنظر	تراکم	
نسبت تعداد خانوارهای ساکن به واحدهای مسکونی	میانگین تعداد خانوار در هر واحد مسکونی (در هر منطقه)	
نسبت تعداد واحدهای مسکونی با ۳۰ سال قدمت به‌کل واحدهای مسکونی	نسبت واحدهای مسکونی بالای ۳۰ سال قدمت	
نسبت تعداد واحدهای مسکونی مستحکم (با اسکلت فلزی یا بتون آرمه) به‌کل واحدهای مسکونی	نسبت واحدهای مسکونی مستحکم	

نسبت واحدهای مسکونی حداقل آب، برق و تلفن	از نسبت تعداد واحدهای مسکونی دارای حداقل امکانات آب، برق و تلفن به کل واحدهای مسکونی
نسبت واحدهای مسکونی دارای حداقل گاز لوله‌کشی	نسبت تعداد واحدهای مسکونی دارای حداقل گاز لوله‌کشی به کل واحدهای مسکونی
نسبت واحدهای مسکونی دارای دستگاه حرارت و برودت مرکزی	نسبت تعداد واحدهای مسکونی دارای دستگاه حرارت و برودت مرکزی به کل واحدهای مسکونی
نسبت واحدهای مسکونی دارای ۲ اتاق و کمتر	نسبت تعداد واحدهای مسکونی دارای ۲ اتاق و کمتر به کل واحدهای مسکونی

روش سطح‌بندی

یکی از شیوه‌های مطرح در سطح‌بندی و تجمیع شاخص‌ها روش سطح‌بندی ناموزون موریس است. در این روش با استفاده از داده‌های توصیفی هر واحد (منطقه) و مقایسه با واحدهای دیگر توسعه‌یافتگی هر یک از واحدهای مشخص می‌گردد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۵۴)، (Morris, Bransford & Franks, ۱۳۵۶):

$$\text{حالت اول: } Y_{ij} = \frac{X_{ij} - X_{ij \min}}{X_{ij \max} - X_{ij \min}} \times 100 \quad (1)$$

$$\text{حالت دوم: } Y_{ij} = \frac{X_{ij \max} - X_{ij}}{X_{ij \max} - X_{ij \min}} \times 100$$

Y_{ij} : شاخص ناموزون برای متغیر i در واحد j ام.

X_{ij} : متغیر i ام در واحد j ام.

حالت اول در صورتی به کار گرفته می‌شود که شاخص به لحاظ توسعه‌ای مثبت تلقی شود و افزایش آن حاکی از بهبود شرایط باشد و حالت دوم نیز در مواردی به کار گرفته می‌شود که افزایش شاخص، منفی تلقی گردد. جهت بررسی موضوع، تمام شاخص‌های موردنظر را در قالب فرمول یادشده به کار گرفته می‌شود و در آخر برای پیدا کردن شاخص اصلی توسعه موردنظر برای هر واحد، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$D.I = \frac{\sum_{i=1}^n Y_{ij}}{n} \quad (2)$$

که در این رابطه n تعداد شاخص‌های مورد مطالعه و $D.I$ شاخص اصلی توسعه هر واحد است.

محاسبه شاخص توزیع نامتوازن یا ضریب اختلاف (CV)^{۱۰}

برای سنجش میزان توزیع نامتعادل یک شاخص در بین مناطق گوناگون برای تمامی شاخص‌های تجمعی، ضریب اختلاف محاسبه می‌گردد. فرمول ذیل بیانگر روش محاسبه آن است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۴۰):

$$CV = \frac{\sqrt{\sum \frac{(x_i - \bar{x})^2}{N}}}{\sum \frac{x_i}{N}} \quad (۳)$$

x_i : مقدار یک شاخص در منطقه i.

\bar{x} : میانگین مقدار همان شاخص.

N: تعداد مناطق.

لازم به ذکر است که کاهش این ضریب بیانگر متوازن‌تر توزیع است.

یافته‌های پژوهش

با استفاده از داده‌های تفصیلی سرشماری‌های نفوس و مسکن و طرح‌های جمع‌آوری اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در شهر تهران و بر اساس مدل موریس، از ۱۸ زیر شاخص، سه شاخص نهایی اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ محاسبه شده است.^{۱۱}

شاخص‌های نهایی اقتصادی در جدول (۲) نشان داده شده است. با مقایسه ضرایب اختلاف، می‌توان مدعی شد توزیع شاخص اقتصادی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ در میان مناطق تهران متوازن‌تر شده است. جالب‌توجه است که منطقه ۳ در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب با کسب ۸۴/۱۳ درصد و ۸۳/۲۱ درصد در سطح‌بندی موریس مطلوب‌ترین مناطق تهران به لحاظ شاخص اقتصادی به حساب می‌آید و منطقه ۱۷ نیز با دارا بودن سطح ۵/۷۶ درصد و ۱۷/۶۶ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نامطلوب‌ترین منطقه به لحاظ این شاخص به حساب می‌آید.

نتایج حاکی از آن است که سطح‌بندی موریس در سال ۱۳۹۰ در اکثر مناطق به‌غیر از مناطق جنوبی و غربی کاهش یافته است. کاهش سطح‌بندی در مناطق مطلوب‌تر و افزایش سطح‌بندی در مناطق نامطلوب‌تر به لحاظ شاخص اقتصادی در مجموع توازن بیش‌تر شاخص اقتصادی را در بین مناطق گوناگون تهران به همراه داشته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بیش‌ترین افزایش شاخص اقتصادی در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ در منطقه ۲۲ رخ داده است و حاکی از آن است که این منطقه تازه تأسیس در جذب اقشار مرفه موفق بوده است.

^{۱۰}. Coefficient of Variability

۱۱- پراکنش شاخص‌های تجمعی اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا به‌صورت نمودار نیز ترسیم شده و به پیوست آورده شده است.

جدول ۲- پراکنش شاخص تجمعی اقتصادی در بین مناطق ۲۲ گانه تهران (سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		منطقه
شاخص تجمعی اقتصادی		شاخص تجمعی اقتصادی		شاخص تجمعی اقتصادی		
رتبه بندی	سطح بندی	رتبه بندی	سطح بندی	رتبه بندی	سطح بندی	
۱	۶۶/۲۳	۲	۷۲/۷۵	۲	۷۱/۶۰	منطقه ۱
۶	۴۵/۳۳	۵	۶۷/۵۱	۳	۶۹/۶۷	منطقه ۲
۲	۶۱/۵۵	۱	۸۳/۲۱	۱	۸۴/۱۳	منطقه ۳
۱۲	۴۱/۰۰	۹	۵۴/۲۱	۷	۶۱/۳۲	منطقه ۴
۳	۵۵/۱۸	۴	۶۷/۷۳	۹	۵۷/۵۸	منطقه ۵
۴	۵۴/۳۱	۶	۶۶/۲۸	۴	۶۹/۲۱	منطقه ۶
۵	۴۷/۶۴	۳	۶۹/۷۴	۶	۶۲/۶۷	منطقه ۷
۹	۴۲/۸۶	۱۱	۵۰/۹۹	۱۱	۴۵/۵۳	منطقه ۸
۱۶	۳۵/۰۸	۱۴	۳۹/۲۱	۱۵	۳۴/۱۲	منطقه ۹
۱۳	۳۶/۷۵	۱۳	۴۴/۹۱	۱۳	۴۲/۲۳	منطقه ۱۰
۷	۴۴/۶۵	۷	۶۱/۷۹	۸	۵۷/۶۲	منطقه ۱۱
۱۴	۳۶/۴۳	۱۲	۴۹/۸۱	۱۲	۴۳/۹۵	منطقه ۱۲
۸	۴۳/۲۴	۸	۵۶/۹۳	۵	۶۴/۲۴	منطقه ۱۳
۱۰	۴۲/۳۶	۱۰	۵۱/۳۲	۱۰	۵۳/۱۸	منطقه ۱۴
۱۵	۳۵/۷۹	۱۷	۲۷/۳۸	۱۶	۳۲/۵۳	منطقه ۱۵
۲۱	۱۹/۳۲	۲۱	۱۶/۴۳	۲۰	۲۰/۲۵	منطقه ۱۶
۲۲	۱۷/۴۶	۲۲	۵/۷۶	۲۱	۱۲/۲۳	منطقه ۱۷
۲۰	۲۰/۰۳	۲۰	۱۸/۷۳	۱۹	۲۴/۳۱	منطقه ۱۸
۱۹	۲۱/۵۳	۱۸	۲۶/۱۰	۲۲	۱۰/۸۵	منطقه ۱۹
۱۷	۲۵/۰۲	۱۹	۱۹/۲۹	۱۷	۲۸/۱۴	منطقه ۲۰
۱۸	۲۱/۶۲	۱۶	۳۰/۳۰	۱۴	۴۱/۰۱	منطقه ۲۱
۱۱	۴۲/۰۴	۱۵	۳۱/۴۰	۱۸	۲۷/۰۵	منطقه ۲۲
۰/۳۵		۰/۴۴		۰/۵۸		ضریب اختلاف

محاسبه و تلخیص: پژوهشگران.

با رجوع به جدول ۳ مقایسه‌ای از سطوح شاخص اجتماعی در طی دوره موردبررسی ممکن می‌شود. با توجه به ضرایب اختلاف محاسبه شده مشخص می‌گردد که در بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ توزیع شاخص اجتماعی در میان مناطق تهران متعادل‌تر شده است و این روند با شیب کندتری تا سال ۱۳۹۰ ادامه یافته است. همچنین منطقه ۶ در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب با کسب ۹۴/۳۷ درصد و ۹۶/۲۶ درصد در صدر سطح بندی مورس قرار گرفته است. علاوه بر خصوصیات فرهنگی ساکنین این مناطق باید توجه داشت که دانشگاه تهران و بیشتر خوابگاه‌های آن در این منطقه استقرار دارد و شمار زیادی از دانشجویان غیر خوابگاهی نیز در این منطقه ساکن‌اند. که این عوامل می‌تواند تأثیر به‌سزایی برافزایش شاخص اجتماعی داشته باشد.

بررسی روند تغییرات در رتبه‌بندی و سطح‌بندی مناطق حاکی از آن است که منطقه ۲۲ در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با جهش قابل توجهی در رتبه و سطح‌بندی شاخص اجتماعی روبه‌رو شده است. همچنین مقادیر شاخص اقتصادی در طی این سال‌ها در مناطق ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵ و ۲۰ همواره کم‌تر از ۳۰ درصد بوده و می‌توان این شش منطقه را به لحاظ شاخص اجتماعی توسعه‌نیافته و محروم قلمداد کرد. با مقایسه ضرایب اختلاف شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توان دریافت که توزیع شاخص اجتماعی از شاخص اقتصادی نامتوازن‌تر است. البته با تأسف باید گفت که منطقه ۱۹ در طی ۱۵ سال مورد بررسی در قعر سطح‌بندی قرار داشته است و میانگین شاخص نهایی آن در سه دوره سرشماری تنها حدود ۲ درصد محاسبه شده است.

جدول ۳- پراکنش شاخص تجمعی اجتماعی در بین مناطق ۲۲ گانه تهران (سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		منطقه
شاخص تجمعی اجتماعی		شاخص تجمعی اجتماعی		شاخص تجمعی اجتماعی		
رتبه‌بندی	سطح‌بندی	رتبه‌بندی	سطح‌بندی	رتبه‌بندی	سطح‌بندی	
۴	۷۹/۵۸	۳	۸۱/۷۶	۴	۸۳/۴۳	منطقه ۱
۳	۸۰/۶۴	۴	۸۰/۷۹	۳	۸۳/۴۴	منطقه ۲
۲	۸۷/۷۴	۱	۸۹/۷۵	۲	۹۳/۵۳	منطقه ۳
۱۲	۵۱/۱۹	۱۱	۵۴/۵۰	۱۱	۵۰/۳۶	منطقه ۴
۶	۶۳/۸۲	۶	۷۱/۵۰	۶	۶۵/۶۶	منطقه ۵
۱	۹۶/۲۶	۲	۸۶/۶۲	۱	۹۴/۳۷	منطقه ۶
۵	۷۵/۵۵	۵	۷۷/۲۶	۵	۷۴/۱۴	منطقه ۷
۸	۵۹/۱۳	۷	۶۱/۱۴	۷	۵۷/۷۷	منطقه ۸
۱۶	۳۹/۱۱	۱۶	۳۵/۹۰	۱۲	۴۲/۲۸	منطقه ۹
۱۰	۵۵/۹۷	۱۰	۵۶/۲۰	۱۰	۵۰/۸۸	منطقه ۱۰
۹	۵۸/۱۰	۸	۶۰/۶۳	۸	۵۶/۶۱	منطقه ۱۱
۱۵	۳۹/۶۳	۱۴	۳۷/۴۰	۱۴	۳۷/۸۷	منطقه ۱۲
۱۱	۵۵/۳۸	۹	۵۷/۲۱	۹	۵۳/۲۶	منطقه ۱۳
۱۳	۴۳/۰۶	۱۲	۴۲/۵۶	۱۳	۴۱/۶۳	منطقه ۱۴
۱۹	۱۳/۶۲	۱۹	۱۶/۵۰	۱۷	۲۱/۰۵	منطقه ۱۵
۱۸	۲۱/۱۷	۱۸	۲۰/۸۳	۱۹	۱۹/۷۰	منطقه ۱۶
۲۰	۱۲/۳۹	۲۱	۱۲/۸۸	۲۰	۱۴/۳۸	منطقه ۱۷
۲۱	۹/۶۲	۲۰	۱۳/۲۹	۲۱	۱۰/۰۹	منطقه ۱۸
۲۲	۳/۸۵	۲۲	۱/۲۶	۲۲	۰/۵۹	منطقه ۱۹
۱۷	۲۴/۹۶	۱۷	۲۴/۳۲	۱۹	۲۱/۳۲	منطقه ۲۰
۱۴	۴۱/۸۸	۱۳	۴۰/۷۰	۱۸	۲۰/۷۹	منطقه ۲۱
۷	۶۲/۶۷	۱۵	۳۷/۰۳	۱۵	۳۵/۸۰	منطقه ۲۲
۰/۵۳		۰/۵۴		۰/۵۸		ضریب اختلاف

محاسبه و تلخیص: پژوهشگران.

در ادامه شاخص‌های تجمعی مطلوبیت فضا به تفکیک مناطق در جدول (۴) نشان داده شده است. بر اساس اطلاعات گردآوری شده در این جدول منطقه ۱۷ در طی ۱۵ سال مورد بررسی با میانگین حدود ۲۰ درصد در سطح بندی موريس نامطلوب‌ترین فضا را دارا بوده است. البته مطلوب‌ترین فضا در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب از آن منطقه ۳، منطقه ۲ و منطقه ۱ بوده است.

با بررسی میانگین‌های سطح بندی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا مشخص می‌گردد که شاخص مطلوبیت فضا بیشترین میانگین سطح بندی را داراست. البته توزیع این شاخص نیز در میان مناطق متوازن تر است و توازن آن در طی ۱۵ سال نسبتاً ثابت بوده است. مشاهده می‌شود علاوه بر مناطق شمالی، برخی از مناطق شرقی (از جمله مناطق ۴، ۱۳ و ۱۴) و مناطق غربی (از جمله مناطق ۲۱ و ۲۲) به لحاظ این شاخص مناسب قلمداد می‌شوند. نکته قابل توجه این است که در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نزدیک به نیمی از مناطق با افزایش سطح مطلوبیت و نیمی دیگر با کاهش آن مواجه شده‌اند.

جدول ۴- پراکنش شاخص تجمعی مطلوبیت فضا در بین مناطق ۲۲ گانه تهران (سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		منطقه
شاخص تجمعی مطلوبیت فضا		شاخص تجمعی مطلوبیت فضا		شاخص تجمعی مطلوبیت فضا		
رتبه بندی	سطح بندی	رتبه بندی	سطح بندی	رتبه بندی	سطح بندی	
۱	۸۷/۹۳	۳	۸۲/۲۳	۳	۷۹/۹۹	منطقه ۱
۴	۸۰/۴۷	۱	۸۶/۰۸	۲	۸۳/۹۶	منطقه ۲
۲	۸۷/۲۹	۴	۷۹/۴۷	۱	۸۹/۴۰	منطقه ۳
۸	۶۸/۱۷	۷	۶۹/۲۹	۶	۶۸/۹۵	منطقه ۴
۳	۸۶/۴۳	۲	۸۲/۳۷	۴	۷۷/۹۶	منطقه ۵
۶	۷۲/۷۹	۶	۷۵/۸۷	۵	۷۶/۷۱	منطقه ۶
۱۲	۵۹/۹۷	۱۱	۶۰/۸۹	۷	۶۴/۳۴	منطقه ۷
۱۳	۵۷/۸۹	۹	۶۱/۷۶	۱۰	۵۸/۵۱	منطقه ۸
۱۶	۴۵/۷۹	۲۱	۴۰/۹۶	۱۳	۵۰/۵۶	منطقه ۹
۱۴	۴۹/۲۷	۱۶	۴۶/۹۵	۲۰	۳۷/۷۸	منطقه ۱۰
۱۱	۶۰/۹۵	۱۳	۵۶/۱۰	۱۶	۴۸/۱۶	منطقه ۱۱
۱۸	۴۳/۲۵	۱۹	۴۴/۸۶	۱۴	۴۹/۰۱	منطقه ۱۲
۹	۶۶/۶۰	۱۰	۶۱/۵۴	۹	۵۹/۲۴	منطقه ۱۳
۱۰	۶۲/۸۶	۸	۶۶/۳۷	۱۲	۵۸/۰۹	منطقه ۱۴
۲۰	۳۴/۷۴	۱۷	۴۶/۲۷	۱۷	۴۷/۱۴	منطقه ۱۵
۲۱	۳۲/۹۷	۲۰	۴۲/۸۴	۱۹	۳۹/۳۹	منطقه ۱۶
۲۲	۲۴/۹۲	۲۲	۱۶/۴۱	۲۲	۱۷/۸۸	منطقه ۱۷
۱۹	۳۶/۳۳	۱۵	۴۷/۱۸	۲۱	۳۴/۰۳	منطقه ۱۸
۱۷	۴۴/۲۵	۱۸	۴۵/۶۰	۱۸	۴۱/۹۶	منطقه ۱۹
۱۵	۶۸/۶۴	۱۴	۵۲/۰۱	۱۵	۴۸/۶۱	منطقه ۲۰
۵	۷۴/۰۹	۵	۷۷/۳۸	۱۱	۵۸/۳۳	منطقه ۲۱
۷	۷۰/۹۵	۱۲	۵۷/۶۵	۸	۶۰/۲۹	منطقه ۲۲

۰/۳۱	۰/۲۹	۰/۳۱	ضریب
------	------	------	------

محاسبه و تلخیص: پژوهشگران.

در ادامه برای آزمون رابطه شاخص‌های سه‌گانه از نرم‌افزار spss برای محاسبه ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است و رابطه میان شاخص‌های نهایی اقتصادی و اجتماعی مناطق تهران در یک سال مشخص با شاخص نهایی مطلوبیت فضا مورد آزمون قرار گرفته و نتایج آن در جداول (۵) تا (۷) نشان داده شده است. نتایج حاصل از روابط همبستگی بین شاخص‌ها در سال ۱۳۷۵ حاکی از آن است که بین شاخص اقتصادی و اجتماعی با مطلوبیت فضا در مناطق رابطه معناداری (sig= ۰/۰۰۰) برقرار است. در این سال ضریب همبستگی شاخص‌های اقتصادی و مطلوبیت فضا (۰/۸۶) اندکی بیش از ضریب همبستگی شاخص‌های اجتماعی و مطلوبیت فضا (۰/۸۳) است که بیان‌گر این موضوع است که در سال ۱۳۷۵ شاخص مطلوبیت فضا بیشتر متأثر از شاخص اقتصادی است تا شاخص اجتماعی. البته قوی‌ترین رابطه بین شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی برقرار است که در این پژوهش مورد بررسی نیست (جدول ۵).

جدول ۵- بررسی همبستگی شاخص‌های نهایی اقتصادی و اجتماعی با شاخص نهایی مطلوبیت فضا (بین مناطق ۲۲ گانه

تهران در سال ۱۳۷۵)

شاخص نهایی مطلوبیت فضا	شاخص نهایی اجتماعی	شاخص نهایی اقتصادی		
۰/۸۶	۰/۹۲	۱/۰۰	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	
۰/۸۳	۱/۰۰	۰/۹۲	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی اجتماعی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	
۱/۰۰	۰/۸۳	۰/۸۶	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی مطلوبیت فضا
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	

در سال ۱۳۸۵ نیز روابط همبستگی بین شاخص‌ها با سطح اطمینان بسیار بالایی یعنی ۹۹/۹ درصد مورد تأیید قرار گرفت. البته در این سال رابطه شاخص اجتماعی و مطلوبیت فضا اندکی قوی‌تر از رابطه شاخص اقتصادی و مطلوبیت فضا محاسبه شده است (جدول ۶).

جدول ۶- بررسی همبستگی شاخص‌های نهایی اقتصادی و اجتماعی با شاخص نهایی مطلوبیت فضا (بین مناطق ۲۲ گانه تهران در سال ۱۳۸۵)

شاخص نهایی مطلوبیت	شاخص نهایی	شاخص نهایی		
۰/۷۷	۰/۹۳	۱/۰۰	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	
۰/۷۸	۱/۰۰	۰/۹۳	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی اجتماعی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	
۱/۰۰	۰/۷۸	۰/۷۷	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی مطلوبیت فضا
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	

شاخص‌های اجتماعی و مطلوبیت فضا در سال ۱۳۹۰ نیز به نسبت شاخص اجتماعی و مطلوبیت فضا، رابطه قوی‌تری برقرار کرده‌اند. نتایج حاصل از آزمون پیرسون در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ حاکی از آن است که بین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در هر منطقه و شاخص‌های مطلوبیت فضا رابطه معنادار و با شدت بالایی برقرار است (جدول ۷).

با توجه به اینکه در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ضریب همبستگی شاخص اجتماعی و مطلوبیت فضا بر ضریب همبستگی شاخص اقتصادی و مطلوبیت فضا پیشی می‌گیرد. می‌توان مدعی شد که در اواخر دوره مورد بررسی، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی از مسائل اقتصادی در جدایی‌گزینی اهمیت بیشتری یافته است.

جدول ۷- بررسی همبستگی شاخص‌های نهایی اقتصادی و اجتماعی با شاخص نهایی مطلوبیت فضا
(بین مناطق ۲۲ گانه تهران در سال ۱۳۹۰)

شاخص نهایی مطلوبیت فضا	شاخص نهایی اجتماعی	شاخص نهایی اقتصادی		
۰/۸۰	۰/۸۷	۱/۰۰	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	
۰/۸۳	۱/۰۰	۰/۸۷	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی اجتماعی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	
۱/۰۰	۰/۸۳	۰/۸۰	همبستگی پیرسون	شاخص نهایی مطلوبیت فضا
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد	

پس از آنکه همبستگی متغیرها به صورت دو به دو مورد تحلیل قرار گرفت، برای آزمودن تأثیر همزمان میزان شاخص‌های تجمعی اقتصادی و تجمعی اجتماعی بر روی میزان شاخص مطلوبیت فضا، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام^{۱۲} استفاده شد. نتایج حاصل بیانگر آن است که در سال ۱۳۷۵ از بین دو شاخص اقتصادی و اجتماعی تنها شاخص تجمعی اقتصادی وارد معادله شده و در هر دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ تنها شاخص تجمعی اجتماعی وارد معادله شده است (جدول ۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^{۱۲}. Stepwise

جدول ۸- ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضا در سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

سال	متغیر یا متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون (B)	ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta)	سطح معناداری	ضریب تعیین (R ^۲)	ضریب تعیین تعدیل شده (R ^۲ adj)
۱۳۷۵	مقدار ثابت	۲۲/۷۳	-	۰/۰۰۰	۰/۷۳	۰/۷۲
	شاخص تجمعی اقتصادی	۰/۷۴	۰/۸۶	۰/۰۰۰		
۱۳۸۵	مقدار ثابت	۳۴/۵۵	-	۰/۰۰۰	۰/۶۱	۰/۵۹
	شاخص تجمعی اجتماعی	۰/۵۱	۰/۷۸	۰/۰۰۰		
۱۳۹۰	مقدار ثابت	۳۰/۳۳	-	۰/۰۰۰	۰/۶۹	۰/۶۸
	شاخص تجمعی	۰/۵۹	۰/۸۳	۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج حاصل می‌توان معادلات رگرسیونی غیراستاندارد و استاندارد را در هر یک از سالهای موردنظر نوشت. معادله رگرسیون غیراستاندارد سال ۱۳۷۵ حاکی از آن است که در این سال با افزایش هر واحد شاخص اقتصادی، شاخص مطلوبیت فضا به میزان ۰/۷۴ افزایش می‌یابد. ارقام مندرج در معادله رگرسیون غیراستاندارد سال ۱۳۷۵ نیز بیانگر آن است که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد شاخص اقتصادی، مطلوبیت فضا به میزان ۰/۸۶ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد (جدول ۹).

جدول ۹- معادلات رگرسیونی غیراستاندارد و استاندارد درباره شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضا در سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

معادله رگرسیون غیراستاندارد	(شاخص اقتصادی) $(0/74) + 22/73 =$ شاخص مطلوبیت فضا	۱۳۷۵
معادله رگرسیون استاندارد	(شاخص اقتصادی) $(0/86) =$ شاخص مطلوبیت فضا	
معادله رگرسیون غیراستاندارد	(شاخص اجتماعی) $(0/51) + 34/55 =$ شاخص مطلوبیت فضا	۱۳۸۵
معادله رگرسیون استاندارد	(شاخص اجتماعی) $(0/78) =$ شاخص مطلوبیت فضا	
معادله رگرسیون غیراستاندارد	(شاخص اجتماعی) $(0/59) + 30/33 =$ شاخص مطلوبیت فضا	۱۳۹۰
معادله رگرسیون استاندارد	(شاخص اجتماعی) $(0/83) =$ شاخص مطلوبیت فضا	

همان‌طور که در جداول (۸) و (۹) مشاهده می‌شود، برخلاف سال ۱۳۷۵، در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ شاخص اقتصادی از معادله رگرسیون خارج و شاخص اجتماعی وارد معادله می‌شود. ضرایب رگرسیون غیراستاندارد و استاندارد در سال ۱۳۸۵ که به ترتیب ۰/۵۱ و ۰/۷۸ محاسبه شده‌اند، در سال ۱۳۹۰ با افزایش روبرو هستند که نشان از افزایش سهم تأثیرپذیری مطلوبیت فضا از شاخص اجتماعی دارد. بررسی تغییرات ضریب تعیین تعدیل شده^{۱۳} نیز روند مشابهی را نشان می‌دهد؛ شاخص اقتصادی در سال ۱۳۷۵، ۷۲ درصد از واریانس تغییرات شاخص مطلوبیت فضا را تبیین می‌کند.

۱۳- از آنجا که ضریب تعیین تعدیل شده به «نسبت به ضریب تعیین (R^۲) حقیقی تر است» (غیاثوند، ۱۳۸۷، ۲۰۹)، در اینجا به روند تغییرات آن توجه شده است.

در سال ۱۳۸۵ با خارج شدن این شاخص از معادله، شاخص اجتماعی توانایی تبیین حدود ۶۰ درصد از واریانس تغییرات مربوط به مطلوبیت فضا را می‌یابد که در دوره ۵ ساله بعدی، توان تبیین آن افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته و مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده به ۶۸ درصد می‌رسد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی نابرابری فضایی یا به تعبیر دیگر چگونگی توزیع فضایی در تهران و رابطه آن با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی است. در این راستا شاخص‌های تجمعی اقتصادی، اجتماعی و مطلوبیت فضا در تمامی مناطق ۲۲ گانه تهران در طی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ محاسبه شده و مورد مقایسه قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که توزیع فضایی و مطلوبیت فضا با توزیع شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی رابطه معناداری دارد. بررسی ضریب همبستگی پیرسون (بالای ۰/۷) بیانگر رابطه بسیار قوی بین شاخص‌های موردبررسی است؛ رابطه‌ای که در طی ۱۵ سال موردبررسی به قوت خود باقی مانده است. محاسبه ضرایب همبستگی در سال‌ها ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و مقایسه آن با نتایج سال ۱۳۷۵، نشان از کاهش تأثیرگذاری شاخص اقتصادی و افزایش اهمیت شاخص اجتماعی در مقایسه با آن دارد. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره نیز تأییدی بر این مدعا است. خروج شاخص اقتصادی از معادله در سال ۱۳۸۵ و ورود شاخص اجتماعی و افزایش تبیین‌پذیری مطلوبیت فضا توسط شاخص اجتماعی در پنج ساله آخر دوره موردبررسی نشان از تغییر قابل‌توجهی در عوامل مؤثر بر توزیع فضایی در تهران دارد.

شاید بتوان این امر را ناشی از تشکیل طبقات اجتماعی یا به تعبیر و بر پایه‌های اجتماعی مشخص دانست. پس از انقلاب ۱۳۵۷، ساختار طبقاتی ایران دستخوش تغییرات اساسی می‌شوند. در دوره ابتدایی پس از انقلاب، شکاف طبقاتی کاهش چشمگیری می‌یابد و شرایط انقلابی امکان تحرک طبقاتی اقل‌ساز پایین فراهم می‌آورد. با اتمام جنگ و شروع دوران سازندگی، طبقه متوسط جدید انقلابی شکل می‌گیرد. دستیابی به موقعیت اقتصادی بالاتر اولین مشخصه شکل‌گیری این طبقه نوظهور است. با این حال همان‌طور که وبر نیز تأکید می‌کند، این طبقات اقتصادی نوظهور برای پذیرفته شدن بایستی جایگاه و منزلت اجتماعی خود را نیز تثبیت کنند. در بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ در تهران فرآیند مشابهی طی می‌شود، به طوری که توزیع فضایی بر مبنای مشابهت در شاخص‌های اقتصادی و رقابت افراد با موقعیت اقتصادی بالاتر در دستیابی به فضاهای مسکونی مطلوب‌تر، جای خود را به جدایی‌گزینی بر اساس شاخص‌های اجتماعی می‌دهد و یا به تعبیر و بر مبنای طبقه اقتصادی نوظهور به پایگاه اجتماعی معتبری تبدیل می‌شود.

علاوه بر آن نتایج پژوهش حاضر نشان از آن دارد که سطح‌بندی مناطق به لحاظ سه شاخص محاسبه شده در طی ۱۵ سال موردبررسی توزیع مشابهی داشته که در این میان شاخص مطلوبیت فضا کمترین تغییر را دارا است. ضریب اختلاف این شاخص در سال‌های مورد بررسی از دیگر شاخص‌ها پایین‌تر بوده و یا به تعبیری دیگر توزیع این شاخص در بین مناطق تهران از توازن بیشتری برخوردار بوده است. یقیناً طرح‌های سازمان‌نوسازی شهر تهران در رابطه با بازسازی بافت‌های فرسوده، در ثابت و پایین ماندن این شاخص مؤثر بوده است. سازمان‌نوسازی پس از انقلاب ۱۳۵۷،

در سال ۱۳۷۳ با تصویب اساسنامه جدید فعالیت خود را به صورت جدی از سر گرفت. با توجه به اسناد این سازمان، برنامه‌ریزی برای نو سازی بافت‌های فرسوده پایتخت و اجرای طرح‌های نو سازی در سال ۱۳۸۴ به اوج خود رسید.^{۱۴} پایین آمدن ضریب اختلاف شاخص مطلوبیت فضا در سال ۱۳۸۵ و به تعبیر دیگر توزیع عادلانه‌تر فضاهای مسکونی در این سال را می‌توان متأثر از اجرایی شدن این طرح‌ها دانست.

نکته حائز اهمیت دیگر در این پژوهش همگون‌تر شدن توزیع شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی (کاهش ضریب اختلاف) در بین مناطق تهران در طی دوره موردبررسی است. البته باید توجه داشت که با وجود مطلوبیت نسبتاً متعادل فضا در مناطق تهران، همچنان افراد دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر به اسکان در مناطقی خاص علاقه دارند و یا به تعبیر دیگر علاقه‌مندند اقامتگاه خود را در جهت نمایش تمایز طبقاتی و اجتماعی خود تغییر دهند. این تفاوت در ضرایب اختلاف و بالاتر بودن ضرایب اختلاف شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی به نسبت ضریب اختلاف شاخص مطلوبیت فضا دلیل دیگری نیز دارد و آن نیز کیفیت بهتر هوای مناطق شمالی شهرستان تهران است. تهرانی‌ها سال‌هاست که برای دستیابی به مناطق خوش آب‌وهوا تر با یکدیگر در رقابت‌اند. مناسب بودن آب‌وهوا فاکتوری است که در پژوهش حاضر بدان پرداخته نشده است و خود می‌تواند توزیع مطلوبیت فضا را دست‌خوش تغییر کند.

منابع

- اشرف، آ. (۱۳۴۶)، *جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی در امریکا*، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- اعظم آزاده، م. (۱۳۷۹)، *عدم تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی و پیامدهای اجتماعی روانی آن، پایان‌نامه مقطع دکتری دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده جامعه‌شناسی.*
- افروغ، ع. (۱۳۷۷)، *فضا و جامعه: فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- اورکاد، ب. (۱۳۸۰)، *تغییرات بافت شهری ایران، گفتگو با برنارد اورکاد، در ر. جهاننگلو (ویراستار)*، گفتگوهای رامین جهاننگلو، ایران و مدرنیته، گفت‌وگوهای پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن. ترجمه حسین سامعی. تهران: نشر گفتار.
- اورکاد، ب. (۱۳۸۸)، *تهران البرز*، ترجمه: سیروس سهامی، مشهد: ترانه.
- باتامور، ت. (۱۳۸۰)، *مکتب فرانکفورت*، ترجمه: حسینعلی نودری. تهران: نشر نی.
- چلبی، م. (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نی.

^{۱۴}- نگاهی بیندازید به: رشد دورقمی نو سازی بافت فرسوده تهران تا پایان سال (۸۹۵/۲/۱۳۹۴)، روزنامه حمایت.

- رضوانی، م. (۱۳۸۳)، سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنندج، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*. (۳).
- رفیعیان، م. و شالی، م. (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری، *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، (۴).
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سالارزاده امیری، ن. و حسینی، س.ح. (۱۳۸۸)، رابطه برخورداری از انواع سرمایه و نوع نگرش به عدالت اجتماعی، *فصلنامه علوم اجتماعی*. (۴۴).
- سرایی، ح. (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*، تهران: انتشارات سمت.
- شریفی، ع. (۱۳۸۵)، عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز، *پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد* دانشگاه تهران، جغرافیا.
- صفروبی، م.، پورمحمدی، م. و حکمت‌نیا، ح. (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی در مناطق شهری ارومیه، *دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*. (۹).
- ضرابی، آ. و موسوی، م. ن. (۱۳۸۹)، تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد، *تحقیقات جغرافیایی*. (۹۷).
- طهماسبی، ط. (۱۳۸۷)، درباره آرای ماکس وبر: اختصاصات نظریه‌ی قشربندی اجتماعی، *روزنامه اعتماد*. (۱۷۰۶): ۷.
- غیاثوند، آ. (۱۳۸۷)، *کاربرد آمار و نرم‌افزار SPSS در تحلیل داده‌ها*. تهران: نشر لویه.
- کلانتری، خ. (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای*، تهران: انتشارات خوشبین.
- کلانتری، ر. (۱۳۸۵)، جغرافیا و سیاست: درآمدی بر اندیشه دیوید هاروی، *خردنامه همشهری*، (۳): ۴۳.
- گرب، آ. (۱۳۷۳)، *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*، ترجمه: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاده، تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مارکس، ک. (۱۳۷۷)، *ایدئولوژی آلمانی*، ترجمه: تیرداد نیکی، تهران: شرکت پژوهشی پیام پیروز.
- مارکس، ک. (۱۳۸۴)، *فقر فلسفه*، ترجمه: آرتین آراکل، تهران: نشر اهورا.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۸)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن-۱۳۷۵: نتایج تفصیلی شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه)، تهران: مرکز آمار ایران.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن-۱۳۸۵: نتایج تفصیلی شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه)، تهران: مرکز آمار ایران.^{۱۵}
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۵)، طرح جمع‌آوری اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در شهر تهران (زمستان ۱۳۷۵)، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰)، طرح جمع‌آوری اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در شهر تهران (زمستان ۱۳۹۰)، تهران: مرکز آمار ایران.
- نصیری، آ. (۱۳۸۹)، تأثیر جهانی شدن بر نابرابری اجتماعی در فضاهای شهری «با تأکید بر کشورهای اسلامی»، *پوستر نمایش داده شده در چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام*، زاهدان.
- وبر، م. (۱۳۷۳)، *طبقه، منزلت و حزب، دوم*. مؤمنی کاشی و د. شیخاوندی و ع. رضایی (ویراستاران)، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌ها، گناباد: نشر مرنديز.
- هاروی، د. (۱۳۸۷)، *شهری شدن سرمایه: چرخه دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع*، ترجمه: عارف اقوامی مقدم، تهران: اختران.
- یوسفی، ع. و ورشوئی، س. (زمستان ۱۳۸۹)، نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر، *مطالعات اجتماعی ایران*، (۴).

- Bendix, R. (۱۹۶۵). *Max Weber's Sociology Today*. International Social Science. (۱): ۹-۲۲.
- Harvey, D. (۲۰۰۹). *Social Justice and the City* (Rev. ed.). Athens & London: The University of Georgia Press.
- Mehryar, S. & Sabet, S. (۲۰۱۲). *Socio-Spatial Segregation Dimensions in the city of Tehran* (Measurement and Evaluation of Current Segregated Areas). Retrieved April ۱۰, ۲۰۱۳, from: http://www.academia.edu/۲۷۰۳۶۱۸/Socio-Spatial_Segregation_Dimensions_in_the_city_of_Tehran.
- Morris, C. Donald., Bransford, John. D., & Franks, Jeffery. J. (۱۹۷۷). Levels of processing versus transfer appropriate processing. *Journal of Verbal Learning & Verbal Behavior*. (۱۶): ۵۱۹-۵۳۳.
- Lipset, S. M. & Bendix, R (۱۹۹۱). *Social Mobility in Industrial Society*. London: Transaction Publishers.

^{۱۵}- نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ پیش از چاپ، به‌صورت حضوری از روابط عمومی مرکز آمار ایران اخذ شد.

- Lobao, L. M., Hooks, G., & Tickamyer, A. R., (۲۰۰۷). *The sociology of spatial inequality*. New York: State University of New York Press.
- Parkin, F. (۱۹۷۹). *Marxism and Class Theory: A Bourgeois Critique*. New York City: Columbia University Press.
- Weber, M. (۱۹۴۶). *Essays in Sociology* (H. H. Greth and C. Wright Mills).
- Zieleniec, A. (۲۰۰۷). *Space and Social Theory*. London: SAGE Publications Ltd.

